اعضای گروه مأوا از مخاطب‌شناسی آثارشان می گویند

سرود مذهبی را برای مخاطب عمومی تولید می‌کنیم

عکاس: سعادن دلدمو (فرهنگیگان)

گرفته است. کارهایی که با حضور کودکان و نوجوانان ساخته می‌شود و این همراهی با این قشر، کار در این حوزه را جذاب‌تر هم کرده است. سعی شده است تا با استفاده از ملودی‌ها فضای جدیدی را برای این رده سنی فراهم کنند و بتوانند طیف گسترده‌تری از مخاطبان کودک و نوجوان را با رزش‌ها و مفاهیم، هیات، آشنا کنند. مجموعه ماوا یکی از مجموعه‌های موسیقایی است که طی سال‌های اخیر به عنوان یکی از ارگان‌های تابعه سازمان هنری - رسانه‌ای اوج، تلاش کرده است تا گام‌های جدیدی را در حوزه‌های مناسبتی موسیقی برداشته و با رویکرد اسیب‌زایی، «روزه‌لایی‌ها» و... از جمله کارهایی است که توسط این مرکز احراز شده است. نشستی را با حضور احسان خدابرست، قائم‌مقام مجموعه ماوا، محمدجواد توسلی، دبیر پویش‌های مرکز موسیقی ماوا، سجاد محمدی و علی‌اکبر حائری مداح برگزار کردیم تا ببینیم از این زائر و مداحی که در راه است آن را چگونه دارد، راه رفتن بر لبه تیغ است و سختی‌های زیادی دارد.

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

ژانر سرود مداحی حدوداً یک سالی است که پر و بال در مجموعه‌ای به نام لیگ سرود قرار گرفت. لیگ سرود امکان تولید را برای گروه‌های فراهم می‌کند که نمی‌توانند قطعه‌ای صوتی با کیفیت بالا بسازند. موسیقی با کلام و به کلام و شعر راه را آنجا فرا می‌دهیم که گروه‌ها در اقصی نقاط ایران آن را بردارند و بخوانند؛ حتی در روستایی که دست آنها به تولید قطعه نمی‌رسد، می‌توانند این قطعه را بردارند و بازخوانی کنند. با این کار می‌توانند یک جریان اقتصادی راه بیندازند، اجرا بگیرند و محصول بسازند. در لیگ سرود گروه‌های مختلف استفاده کردند، یک گروه یک خلاقیتی به خرج داد و این قطعه را با آقای رضا هلالی بازخوانی کرد که خواننده بزرگی در آن بیرون آمد که پنج- شش دختر خانم با یک آفاپیر با آقای هلالی در لوکیشن ساده‌ای ایستادند و این سرود را اجرا کردند.

این اولین اتفاق سرود-مداحی در ایران بود که خیلی دیده شد ولی اولین محصولی که خیلی جذاب تولید شد، محصول آقای عباسی بود که به اندازه کافی دیده شده. بعد از آن آقای هلالی را قبول ندارند و ما کاری به اینها نداریم. نمی‌توانیم کاری کنیم اینها این موضوعات را قبول کنند. برخی ممکن است این جنس کارها را قبول داشته باشند و این ظرفیت سرود-مداحی است، کاری که آقای علی اکبر حائری درخصوص کودکان پروانه‌ای انجام دادند، نشان‌دهنده این است که چقدر این ظرفیت‌ها وجود دارند و چقدر فرصت برای انجام کار زیاد است. اینکه چه کار باید انجام داد به نظرم الان انجام شده است و وسط برنامه بچه‌ها هستیم، قشر ضعیف، پلدار، مدارس بالاشهر، مدارس پایین شهر، خیلی ها همراه این جریان هستند. فقط ما نباید خرابش کنیم، اگر ارگان‌های ما در رفاقت نیفتند و با هم دعوا نکنند؛ با هم مهربان باشند، در کنار هم این مسیر، خودش جلو می‌رود.

یکی از نمادهای متفاوتی که ساختید و می‌توانست در بدنه اجتماعی بیشتر دیده شود، نماهنگ کمیاب‌ها که ویژه دختران‌هم‌ای ایران است. با اینکه برای پخش وسیع آن با بی‌مهری مواجه شدید، سوالم این است که اباز این مدل کارها باز هم خواهید ساخت؟

احسان خدابرست: ماموعه‌های را راه انداختیم که متمرکز روی مسائله بانوان باشد. فضای اینچنینی دارد که هم توانمندسازی اتفاق افتاد و هم به مساله‌ها پرداز. برای اربعین و برای مشاغل مختلف کار ساختند. دوسه کار دیگر برای حضرت رقیه(س) ساخته شد. آن مسیر هنوز جدیدی است که یک سالی است راه افتاده است.

مطمئنا این مسیر سختی‌های خودش را دارد، کمی هم درمورد این سختی‌ها صحبت کنید.

احسان خدابرست: نمی‌خواهم اسم ببرم، اما برخی از مدیران شبکه‌های تلویزیونی هستند که خود تصاویری با این موضوع صورت مختصر بیان کرده و این جریان‌ها را الان شاهد هستید. اتفاقی که رقم خورده و مهم‌ترین چیزی که ما به اینجا رساند استراتژیک بودن برنامه‌ریزی بود. سرود را از اخت کعده‌های درونی فیلی بیرون کشیدیم و تبدیل به یک اتفاق مردمی کردیم.

مردمی کردن سرود، آن هم از جنس سرود-مداحی، به نظر کار راحت و ساده‌ای نیست چون بخشی از مردم ناخودآگاه باین موضوع ارتباط دهی نمی‌گیرند؛ اما شما برای اینکه این ارتباط عمومیت بیشتری پیدا کند، چه کردید؟

احسان خدابرست: هر محصولی مخاطب خودش را دارد. مثلا بارب یا پاپ یا سنتی همه ارتباط نمی گیرند، سرود-مداحی ژانری است که احساس می کنیم یکی از مردمی‌ترین ژانرهاست. یعنی در جشن هایی که بچه‌ها برگزار می کنند ببینید تقریبا از همه مردم نماینده در آن وجود دارد. نه مخصوص قشر خاکستری است. خیلی ها هستند این مسائل را قبول ندارند و ما کاری به اینها نداریم. نمی‌توانیم کاری کنیم اینها این موضوعات را قبول کنند. برخی ممکن است این جنس کارها را قبول داشته باشند و این ظرفیت سرود-مداحی است، کاری که آقای علی اکبر حائری درخصوص کودکان پروانه‌ای انجام دادند، نشان‌دهنده این است که چقدر این ظرفیت‌ها وجود دارند و چقدر فرصت برای انجام کار زیاد است. اینکه چه کار باید انجام داد به نظرم الان انجام شده است و وسط برنامه بچه‌ها هستیم، قشر ضعیف، پلدار، مدارس بالاشهر، مدارس پایین شهر، خیلی ها همراه این جریان هستند. فقط ما نباید خرابش کنیم، اگر ارگان‌های ما در رفاقت نیفتند و با هم دعوا نکنند؛ با هم مهربان باشند، در کنار هم این مسیر، خودش جلو می‌رود.

یکی از نمادهای متفاوتی که ساختید و می‌توانست در بدنه اجتماعی بیشتر دیده شود، نماهنگ کمیاب‌ها که ویژه دختران‌هم‌ای ایران است. با اینکه برای پخش وسیع آن با بی‌مهری مواجه شدید، سوالم این است که اباز این مدل کارها باز هم خواهید ساخت؟

احسان خدابرست: ماموعه‌های را راه انداختیم که متمرکز روی مسائله بانوان باشد. فضای اینچنینی دارد که هم توانمندسازی اتفاق افتاد و هم به مساله‌ها پرداز. برای اربعین و برای مشاغل مختلف کار ساختند. دوسه کار دیگر برای حضرت رقیه(س) ساخته شد. آن مسیر هنوز جدیدی است که یک سالی است راه افتاده است.

مطمئنا این مسیر سختی‌های خودش را دارد، کمی هم درمورد این سختی‌ها صحبت کنید.

احسان خدابرست: نمی‌خواهم اسم ببرم، اما برخی از مدیران شبکه‌های تلویزیونی هستند که خود تصاویری با این موضوع

از ابتدای تولید محتوای شعر با این نگاه ورود می کنیم تا ببینیم مخاطب هدف ما درگیر فلان مساله است یا نه. ما به اینجا رسانه استراتژیک بودن برنامه‌ریزی بود. سرود را از اخت کعده‌های درونی فیلی بیرون کشیدیم و تبدیل به یک اتفاق مردمی کردیم.

مردمی کردن سرود، آن هم از جنس سرود-مداحی، به نظر کار راحت و ساده‌ای نیست چون بخشی از مردم ناخودآگاه باین موضوع ارتباط دهی نمی گیرند؛ اما شما برای اینکه این ارتباط عمومیت بیشتری پیدا کند، چه کردید؟

احسان خدابرست: هر محصولی مخاطب خودش را دارد. مثلا بارب یا پاپ یا سنتی همه ارتباط نمی گیرند، سرود-مداحی ژانری است که احساس می کنیم یکی از مردمی‌ترین ژانرهاست. یعنی در جشن هایی که بچه‌ها برگزار می کنند ببینید تقریبا از همه مردم نماینده در آن وجود دارد. نه مخصوص قشر خاکستری است. خیلی ها هستند این مسائل را قبول ندارند و ما کاری به اینها نداریم. نمی‌توانیم کاری کنیم اینها این موضوعات را قبول کنند. برخی ممکن است این جنس کارها را قبول داشته باشند و این ظرفیت سرود-مداحی است، کاری که آقای علی اکبر حائری درخصوص کودکان پروانه‌ای انجام دادند، نشان‌دهنده این است که چقدر این ظرفیت‌ها وجود دارند و چقدر فرصت برای انجام کار زیاد است. اینکه چه کار باید انجام داد به نظرم الان انجام شده است و وسط برنامه بچه‌ها هستیم، قشر ضعیف، پلدار، مدارس بالاشهر، مدارس پایین شهر، خیلی ها همراه این جریان هستند. فقط ما نباید خرابش کنیم، اگر ارگان‌های ما در رفاقت نیفتند و با هم دعوا نکنند؛ با هم مهربان باشند، در کنار هم این مسیر، خودش جلو می‌رود.

یکی از نمادهای متفاوتی که ساختید و می‌توانست در بدنه اجتماعی بیشتر دیده شود، نماهنگ کمیاب‌ها که ویژه دختران‌هم‌ای ایران است. با اینکه برای پخش وسیع آن با بی‌مهری مواجه شدید، سوالم این است که اباز این مدل کارها باز هم خواهید ساخت؟

احسان خدابرست: ماموعه‌های را راه انداختیم که متمرکز روی مسائله بانوان باشد. فضای اینچنینی دارد که هم توانمندسازی اتفاق افتاد و هم به مساله‌ها پرداز. برای اربعین و برای مشاغل مختلف کار ساختند. دوسه کار دیگر برای حضرت رقیه(س) ساخته شد. آن مسیر هنوز جدیدی است که یک سالی است راه افتاده است.

مطمئنا این مسیر سختی‌های خودش را دارد، کمی هم درمورد این سختی‌ها صحبت کنید.

احسان خدابرست: نمی‌خواهم اسم ببرم، اما برخی از مدیران شبکه‌های تلویزیونی هستند که خود تصاویری با این موضوع

از ابتدای تولید محتوای شعر با این نگاه ورود می کنیم تا ببینیم مخاطب هدف ما درگیر فلان مساله است یا نه. ما به اینجا رسانه استراتژیک بودن برنامه‌ریزی بود. سرود را از اخت کعده‌های درونی فیلی بیرون کشیدیم و تبدیل به یک اتفاق مردمی کردیم.

مردمی کردن سرود، آن هم از جنس سرود-مداحی، به نظر کار راحت و ساده‌ای نیست چون بخشی از مردم ناخودآگاه باین موضوع ارتباط دهی نمی گیرند؛ اما شما برای اینکه این ارتباط عمومیت بیشتری پیدا کند، چه کردید؟

احسان خدابرست: هر محصولی مخاطب خودش را دارد. مثلا بارب یا پاپ یا سنتی همه ارتباط نمی گیرند، سرود-مداحی ژانری است که احساس می کنیم یکی از مردمی‌ترین ژانرهاست. یعنی در جشن هایی که بچه‌ها برگزار می کنند ببینید تقریبا از همه مردم نماینده در آن وجود دارد. نه مخصوص قشر خاکستری است. خیلی ها هستند این مسائل را قبول ندارند و ما کاری به اینها نداریم. نمی‌توانیم کاری کنیم اینها این موضوعات را قبول کنند. برخی ممکن است این جنس کارها را قبول داشته باشند و این ظرفیت سرود-مداحی است، کاری که آقای علی اکبر حائری درخصوص کودکان پروانه‌ای انجام دادند، نشان‌دهنده این است که چقدر این ظرفیت‌ها وجود دارند و چقدر فرصت برای انجام کار زیاد است. اینکه چه کار باید انجام داد به نظرم الان انجام شده است و وسط برنامه بچه‌ها هستیم، قشر ضعیف، پلدار، مدارس بالاشهر، مدارس پایین شهر، خیلی ها همراه این جریان هستند. فقط ما نباید خرابش کنیم، اگر ارگان‌های ما در رفاقت نیفتند و با هم دعوا نکنند؛ با هم مهربان باشند، در کنار هم این مسیر، خودش جلو می‌رود.

ادامه از صفحه ۱۲

از ابتدای تولید محتوای شعر با این نگاه ورود می کنیم تا ببینیم مخاطب هدف ما درگیر فلان مساله است یا نه. ما به اینجا رسانه استراتژیک بودن برنامه‌ریزی بود. سرود را از اخت کعده‌های درونی فیلی بیرون کشیدیم و تبدیل به یک اتفاق مردمی کردیم.

سجاد محمدی: ما واقعا برای تولید یک کار پیر می شویم. گاهی ساده نگاه می‌شود. من در اوج اپکه درگیر شعر هستم، درگیر جلسات و خواندن هستم، برای اینکه یک کار تولید شود ساعت‌ها بیدار هستیم و کار می کنیم. می‌دانید چه چیزی برای من جذاب است، این کارها یار فرهنگی مملکت را برمی دارد. آن چیزی که در شهرداری، وزارت کشور وبقیه جاها به آن بودجه فرهنگی می گویند، باید بگوییم که در جاهای دیگر، این کار فرهنگی انجام می‌شود. افرادی که به پاپول خیلی کمی وارد می شوند و عشق کار کردن دارند تا عشق پول درآوردن! اما یک کار، دو کار، سه کار تولید می‌شود و سر کار چهارم کم می آورند. بالاخره طرف خانواده دارد و باید امرار معاش کنند. پس این بودجه فرهنگی مملکت دقیقا خرج چه چیزی می‌شود؟ قرار است چه هدفی را دنبال کند که «عزیز حسین» نمی‌تواند. ببینید که این نماهنگ چقدر آدم‌ها را دوستی سمت امام حسین می‌کشد. آن بودجه‌ها می‌خواهد خرج یک بنر در داخل شهر شود که حجاب را رعایت کنید یا پیامک در فرودگاه به موبایل من بیاید که حجاب مصوبتیت است!

همین کاری که برای روز دختر ساخته شد و کار خوبی هم بود، معمولا وقتی یک نفر چهارتا کلیپ این مدلی می‌سازد، همه فکر می کنند باید به سمت این مدل کارها بروند، مدرسه و ارگان‌های مختلف رنگ زدند، من محکم ایستاده‌م و گفتم من الان هیچ ایده‌ای ندارم و نمی‌خواهم کار کنم. اگر بخواهم کاری انجام دهم با تیمی انجام می‌دهم که با آنها راحت هستم و فقط با مأوا کار می کنم. ایده «دختر ایران» که در روز دختر منتشر شد، به ذهنم رسید. قبول کردم. همیشه می‌گویم تا ایده نداشته باشم نمی سازم. الزام اینکه برای حجاب کاری کنیم نباید این باشد که عکس مادر و دختر را با بنرها پر کنیم. بودجه‌های فرهنگی این طور در فاضلاب می‌رود و مردم را متنفر می کند.

دقیقا به این خاطر است که استاد انجام دادن کارهای این شکلی هستیم؟

سجاد محمدی: حرف درستی است چون کار خلاقانه بلد نیستند انجام بدهند، مثلا می گویند الان باید درباره حجاب صحبت شود؛ چون حضرت آقا در فلان سخنرانی صحبت کرده است و می گویند فرمایش رهبری این شد که بنر بزنیم. عمق برداشت از سیاست مردی که پشت و عقیده آن ۴۰ سال انقلاب است و فکر کرده و این حرف را بیان کرده، جا می‌ماند و اینها صرفا یک جمله را برنامه کردند و در شهر نصب کردند. به ما گفتند روز دختر همه کشور بسیج شده است که اتفاقی را بیفتد روز چون هفت ماه درگیر فلان مساله هستیم اما همین که می‌خواهیم فرازی را بنویسیم به فرض اینکه حماسی باشد جایی را می گویم مردم جواب دهند.

محمدجواد توسلی: در آن برهه‌ای که تنلو سیاسی مانکن کارهایی را خواندند و بین بچه‌های دهه هشتادی و بالاتر شد، آن زمان دست‌مان خالی بود. نقطه اول این طور شد که در تکیه آقا فلان فرهنگی و اثرگذار است باید یا با او خداحافظی کرد. من می گویم، شعر می گویم و ملودی‌های من فلان است، پایان کار من است. چنین خبرهایی نیست. من معتقدم کل این حرف‌هایی که امروز بیان کردیم و خاطره گفتیم و خندیدیم، گردانده همه اینها امام حسین(ع) است. اگر امام حسین نخواست و نخواهد عزیزم حسین راچه‌ها بشنوند نمی‌شنوند. تا قیامت هم بدوم «فرهیختگان»، عقیق، تلویزیون و... اینها را پخش کنند این کار به هدف نمی‌رسد. معتقدم امام حسین آن هیات کوچک را و آن خادم‌های کوچک و آن رفیق‌های کوچک را برای آینده انتخاب می‌کند.

کار سرود-مداحی شروع یک جریان است و یک اتفاق است. که هنوز بالغ نشده است.

سجاد محمدی: ما هم فکر نمی کنیم بالغ است و فکر می کنیم شروع یک اتفاق است. هنوز در آزمون و خطاست.

پس این جریان سرود-مداحی همچنان در مرحله آزمون و خطاست. فکر می کنید که چه‌زمانی تکمیل شده و تبدیل به الگویی می‌شود که دیگران را مثل آمتریا بکشد و این جریان مغناطیس اسباب کارهای تازه در دستگاه امام حسین و اهل بیت شود. چیزی که مثلا برای چهارپایه خوانی رقم خورد. چرا در قضیه سرود-مداحی با تولید نماهنگ فعلا عملدار این مسیر جایی مثل مرکز موسیقی ماوا است؟

سجاد محمدی: اول این را بگویم که این کار هنوز کت و شلوار برتن ندارد، فعلا با یک پیراهن اسپورت و شلوار زاپ‌دار می گردد. هنوز رسمیت ندارد. من این طور برداشت می کنم هیچ گاه مثل جریان چهارپایه‌خوانی نخواهد شد. یعنی شما منتظر هستید و من می گویم آن طور که شما منتظر هستید موج راه بیفتد، شکل نمی گیرد. چون مرزی به نام موسیقی داریم که محل اختلاف فقهی است. یعنی یک مرجعی کاملا می گوید فقط غنا حرام است وجای دیگر مکروه است وابنجا و آنجا مشکل ندارد و یک مرجعی می گوید حرام است. برای مقلدین آن مرجع نمی توانید کاری کنید، بنا بود موسیقی نداشته باشیم. کار سرود بود، موسیقی محل دعوای فقهی است، چهارپایه را می گذارید و بالا می روید، چه کسی می خواهد حرف بزند؟ حاج محمود کریمی می گذارد و من هم می گذارم. چه می شود؟ تازه می گوید حاج علی اکبر ناظم هم این کار را کرد. اما این موسیقی خط قرمز است. خط قرمز هم برای هر تیمی یک جایی قرار دارد. بارها برای کسانی که می‌گویند، این کار درست نیست، توضیح داده‌ام. اینها منتقدان ما هستند و سنگ می‌زنند.

ممکن است او قوای استدلالی خود را داشته باشد و با تکیه بر آن ایراد می گیرد. درباره آنها چطور؟ حرف من این است که شما می گویید برای جریانی تولید محتوا می کنم که مساله او این است.

علی اکبر حائری: صحبت محل اختلاف بودن است. من طلبه و طلبه‌زاده هستم. خیلی ها الان وقتی از این کارها را می خوانم بیشتر فحش می‌دهند. غنا کلا محل اختلاف است. من موسیقی برای شما می گذارم و شما سر خود را تکان می دهید. آن دم می گوید چون ایشان سر خود را تکان داد این غنا است. کس دیگری گوش می دهد. هیچ واکنشی ندارد. این محل اختلاف را از کجا می توانید گیر بیاورید. چه چیزی می تواند این را تعیین کند؟ اینها بیشتر مباحث فقهی و اصولی دارد.

آنها منطق خود را دارند اما منطق شما برای اینکه این کار را انجام دهید چیست؟ بیشتر متوجه چه است؟ اینکه بخش درست نیست. ما نمی دانیم چطور کودکان پروانه‌ای اینچنین اتفاقی را رقم زدند. کار امام حسن اصلا ربطی به کودکان پروانه‌ای نداشت که من می گویم ربط دارد، چون امام حسن با جزامی‌ها رفیق بود. اصلا شما وما چه کاره‌ایم؟ ثانیه‌ای که آقای توسلی فکر کند فعال فرهنگی و اثرگذار است باید با او خداحافظی کرد. من می گویم، شعر می گویم و ملودی‌های من فلان است، پایان کار من است. چنین خبرهایی نیست. من معتقدم کل این حرف‌هایی که امروز بیان کردیم و خاطره گفتیم و خندیدیم، گردانده همه اینها امام حسین(ع) است. اگر امام حسین نخواست و نخواهد عزیزم حسین راچه‌ها بشنوند نمی‌شنوند. تا قیامت هم بدوم «فرهیختگان»، عقیق، تلویزیون و... این را پخش کنند این کار به هدف نمی‌رسد. معتقدم امام حسین آن هیات کوچک را و آن خادم‌های کوچک و آن رفیق‌های کوچک را برای آینده انتخاب می‌کند.

کار سرود-مداحی شروع یک جریان است و یک اتفاق است. که هنوز بالغ نشده است.

سجاد محمدی: ما هم فکر نمی کنیم بالغ است و فکر می کنیم شروع یک اتفاق است. هنوز در آزمون و خطاست.

پس این جریان سرود-مداحی همچنان در مرحله آزمون و خطاست. فکر می کنید که چه‌زمانی تکمیل شده و تبدیل به الگویی می‌شود که دیگران را مثل آمتریا بکشد و این جریان مغناطیس اسباب کارهای تازه در دستگاه امام حسین و اهل بیت شود. چیزی که مثلا برای چهارپایه خوانی رقم خورد. چرا در قضیه سرود-مداحی با تولید نماهنگ فعلا عملدار این مسیر جایی مثل مرکز موسیقی ماوا است؟

سجاد محمدی: اول این را بگویم که این کار هنوز کت و شلوار برتن ندارد، فعلا با یک پیراهن اسپورت و شلوار زاپ‌دار می گردد. هنوز رسمیت ندارد. من این طور برداشت می کنم هیچ گاه مثل جریان چهارپایه‌خوانی نخواهد شد. یعنی شما منتظر هستید و من می گویم آن طور که شما منتظر هستید موج راه بیفتد، شکل نمی گیرد. چون مرزی به نام موسیقی داریم که محل اختلاف فقهی است. یعنی یک مرجعی کاملا می گوید فقط غنا حرام است وجای دیگر مکروه است وابنجا و آنجا مشکل ندارد و یک مرجعی می گوید حرام است. برای مقلدین آن مرجع نمی توانید کاری کنید، بنا بود موسیقی نداشته باشیم. کار سرود بود، موسیقی محل دعوای فقهی است، چهارپایه را می گذارید و بالا می روید، چه کسی می خواهد حرف بزند؟ حاج محمود کریمی می گذارد و من هم می گذارم. چه می شود؟ تازه می گوید حاج علی اکبر ناظم هم این کار را کرد. اما این موسیقی خط قرمز است. خط قرمز هم برای هر تیمی یک جایی قرار دارد. بارها برای کسانی که می‌گویند، این کار درست نیست، توضیح داده‌ام. اینها منتقدان ما هستند و سنگ می‌زنند.

ممکن است او قوای استدلالی خود را داشته باشد و با تکیه بر آن ایراد می گیرد. درباره آنها چطور؟ حرف من این است که شما می گویید برای جریانی تولید محتوا می کنم که مساله او این است.

علی اکبر حائری: آنها برای ما تعیین تکلیف می کنند کار ما چیست.

علی اکبر حائری: گفتم به خوانده بدهید بخواند، ببینید چند مورد رسال می‌خوانند؟ یک روزی یک نفر به من گفت هر وقت ۳۰۰ کار ساختید تازه زنگ بزن با هم حرف بزنیم. ما هنوز ذغدغه‌مند مردم نیستیم. شما که اینجا نشسته‌اید شاید در سرج اینستاگرام ۴ نامثل ما را دیده باشید. واقعه‌ا دنبال من می گردید؟ یا دنبال سجاد محمدی می گردید ببینید چه چیزی خوانده‌ام؟ به خدا این طور نیست. آنقدر ذغدغه دارید و آنقدر چیزهای دیگر برای شما مهم است که به ما نمی‌رسد.

سجاد محمدی: محل اختلاف ما با یک سری آدم است که درهای قلب آنها بسته است و حرف شما را نمی فهمند. فرکانسید اگر بخت کنید، می فهمند. شما فکر می کنید آنها ادله دارند ولی هزار دلیل روی دلیل آنها بیاورید، نمی پذیرند.

آقا سجاد حرف خوبی زدند، ما وقتی می‌خواستیم شعر امام حسن را همان کار پروانه‌ای را بنویسیم دو هفته سر دو خط اول آن گیر کردیم. بعد رها کردیم. دوباره پای آن نشستیم و دو سه شبی پای آن نشستیم و دیدیم درست شد. ایده هست ولی کننده آن است. اینکه آن آدم ایده‌ای که می خواهد ادعا دهد را گیرش بگیرد. من از سیاهی چادر شما ۴ شعر می نویسم و نافرا می فرستم. ولی اینکه این سیاهی را چطور در چشم مخاطب خود سفید کنم اهمیت دارد.

محمدجواد توسلی آن چیزی که در ذهنم است اینکه ما الان خاک خوری اتفاق بزرگی را می کنیم. خاک اتفاقی را می خوریم که می‌دانم چیست ولی در دو سه سال آینده یک اتفاق بزرگی در این حوزه رقم می خورد.

سجاد محمدی: تعبیر شخصی من این است که امام حسین جریان دیگری را به علاوه هیات می کند. هیات‌ها قرار نیست عوض شوند. همین بچه‌ها که امروز در پویش حضور دارند، بزرگ‌تر شوند در این پویش نمی‌توانند اینچنین فعال باشند، درنهایت در هیات نزد ما می‌آیند. هیات کودکان اتم حسین تاسیس شد که به ما پیغام نداد. کسی بگوید من اینجا رحمت شیعه درست نیست چون وسیله بودند. من بگویم برای امام زمان فلان کار را کردم، نباید بسازیم. این حرف تمام شد تا خیر آتماس گرفت که آیا برای ری روز دختر ساختید؟ گفت می فرستید؟ گفتم چرا؟ گفتم از ما نخواهید و کار ما نیست و این اثر فروخته شده است! مشکل اصلی این است که دوستان ما دنبال بودن هستند تا اسپنسان مطرح شود.

حتما برای این کار هدفی درنظر گرفته اید؟ این هدف چیست؟

محمدجواد توسلی: هدف شما درست است. یک حرف که این دوستان مخالف سرود-مداحی می گویند، این است که شما داغه مردم را عوض می کنید؟ درست نیست. داغه مردم عوض شده است. بچه دو سال و نیمه شعر حماسی که ربطی به کار کودک ندارد را می خواند و حفظ است. این به چه معنی است؟ چطور باید بفهمیم داغ‌ها تغییر کرده است؟ وقتی ما دو سال پیش مثل بچه‌های الان بودیم؟

در مورد سرود باید بگویم اوایل انقلاب این را داشتیم و از مد افتاد. بعد به مدرسه رسیدیم سرود تئاتر شد و تئاتر مداحی شد و مداحی پرنگ شد و همه چیز تغییر کرد. تک‌خوانی پررنگ شد. سرود درون خود چند ویژگی دارد. چون من سازنده هستم، ۱۵ سال است که می‌نویسم، همیشه شعر می‌نویسم یک جایی را برای مردم می گذارم. گاری به جریان سرود، مداحی و چرایی شکل گیری آن در کشور ندارم. من به‌عنوان یک سازنده وقتی می‌خواهم فرازی را بنویسم به فرض اینکه حماسی باشد جایی را می گویم مردم جواب دهند.

محمدجواد توسلی: در آن برهه‌ای که تنلو سیاسی مانکن کارهایی را خواندند و بین بچه‌های دهه هشتادی و بالاتر شد، آن زمان دست‌مان خالی بود. نقطه اول این طور شد که در تکیه آقا مطربی ارباضا هلالی نشسته بودیم و گفتیم سرود در برای آرامش را تولید کنیم، سال گذشته منتشر شد ولی شنیده نشد و این را در هیات بازخوانی کردیم. رضا هلالی زحمت کشید و هر هفته بابچه‌های آنجا تمرین می کرد. می خواستیم محصولی تولید کنیم که نزدیک به جامعه مخاطب باشد. ایده دهه هشتادی‌ها را مطرح کردیم و تولید محتوایی به نام دهه هشتادی‌ها داشتیم که خیلی بازخورد داشت و همه دیدند. استارت از آن نقطه بود و بعد عزیزم حسین یک را داشتیم. هدیه اسباب‌بازی را داشتیم و موضوعات و الگوهای دینی را طوری شکلات‌پیچ می کردیم که بچه دوست داشته باشند. این مسیر به نظرم راه افتاده و درباره جریان‌سازی سرود-مداحی باید خیلی صحبت شود و خیلی باید حرف زده شود.

بزرگ‌ترین مشکل در این مسیر چیست؟

محمدجواد توسلی: به نظرم بزرگ‌ترین مشکل این است که وقتی ما، دهه هشتادی‌ها و عزیزم حسین یک و... می‌ساختیم، بسیاری از بزرگان مثلا فلان مداح که ده تا دهه هشتادی هم در هیات او نمی‌رفتند، یا فلان مسئول فرهنگی یا فلان نهاد فرهنگی که بودجه فرهنگی دارد، محصولاتی تولید می کردند که به درد دهه هشتادی‌ها و دهه نودی‌ها نمی خورد. اینها امضا علیه ما جمع می کردند و علیه ما طومار می‌نوشتند، استوری می‌گذاشتند و می گفتند اینها فساد می کنند و مسیر مداحی را منحرف می کنند. درحوزتی که محصولی را برای دهه نودی‌هایی تولید می کردیم که نه در مسجد آنها را پیدا می کردیم و نه در هیات فلان آقا پیدا می شدند. اینها اشک می ریختند و عزیزم حسین را می خواندند. از وقتی رهبری، «سرود-مداحی را در سخنرانی خود مطرح کردند، همان‌هایی که سال گذشته ما را فحش می‌دادند، سفارش دهنده کار کودک شدند.

سجاد محمدی: آقایی به من گفت شما کودک را نمی شناسید و گفت شما این همه زحمت می کشید ولی تعریف کار شما مطربی است. گفت سواد این را ندارید. من گفتم ۷ سال معلم بودم. جلو رفتیم. گفت کار بعضی که ساختید شعر کودک نبود. از اول شروع کردم و بررسی کردیم. به جایی رسیدیم و گفتم این یک مصرع برای بزرگ‌ترها است. گفت شما نباید بسازید. گفت من هم نباید بسازم. گفتم پس چه کسی بسازد؟ گفت اصلا ما

علی اکبر حائری: بله. از قالب بیرون نرفتن یعنی اینکه با حرف‌هایمان باری را به دوش جامعه اضافه نکنیم. برخی حرف‌ها هزینه می‌دهند و چند سال باید کار کرد تا همین حرف ساده فلان مسئول را درست کرد. یک موضوع مهم بحث نهادهای فرهنگی است. نهادهای فرهنگی بیشتر از اینکه با هم اتحاد داشته باشند متاسفانه با هم رقابت می کنند. مانعی داریم نهادهای فرهنگی این میزان پول داشتند و رونمی کردند! وقتی به رقابت می‌افتند تازه متوجه می‌شوید همه پول دارند. کار فرهنگی اینچنینی است برنمی‌دارد که فلان نهاد این کار را کرد من هم بدون برنامه سراغ تولید بروم، یک باگی این وسط است که وقتی نهادهای فرهنگی

سال گذشته موسسه جوانان آستان قدس نمایشگاهی را برگزار کردند؛ بسیار نمایشگاه موثری بود، علاقه‌مندی ما در این نمایشگاه خیلی عجیب‌وغریب بود، همین مدل کارها می تواند برای ماوا که در کار تولید موسیقی است کمک‌کننده باشد.

محمدجواد توسلی همه کارهای ما این طور است، کار بر عهده دوستان است، شما کیمیاء را مثال می‌زنید، چرا بعید از مثال نمی‌زنید؟ اژانر کارها و نماهنگ‌ها را ببینید، این طور نیست که دختران انقلاب و چادری‌ها فقط باشند. همه طیف را داریم.

ادامه در صفحه ۱۳